



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۲/۱۹

نگارگر

## عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد:

آن شب ساعت سه و سی و چهار بامداد بود. من برای رفع ضرورت از خواب برخاستم و هنگامی که بر گشتم قلبم را سخت درد گرفت. وقتی در بستر دراز کشیدم سینه ام سخت تنگی میکرد و در حالت دراز کشیدن راحت تر شدم. برخاستم و بر جای خود نشستم ولی گاه به یک سو و گاهی به سوی دیگر می افتادم و می پنداشتم که به پایان کار رسیده ام. سه بار شهادتین را بر خویش خواندم. درد سینه و بازو ها سخت آرام میداد. با همین کش و گیکر ملتفت شدم که دیگر توان تحمل درد را نداشتم.

دو سال میشد که دوی مسکن درد نخورده بودم. دوی مسکن در دهمسرم در اتناق بود. میخواستم برای داکتر آرین زنگ بزنم ولی روز یکشنبه بود با خود گفتم آرین بیچاره هم روزهای یکشنبه تا ناوقت استراحت میکند بنابراین اگر اراده نگاربرین بر ادامه زندگانی من رفته باشد دردم را تحمل میکنم. بیست دقیقه از هشت صبح گذشته بود که من دودانه مسکن را فروبلعیدم. پس از دو سال مسکن نخوردن این دو گولی چه قدر زود بر من اثر کرد. خواب رفتم. ساعت ده بیدار شده برای آرین زنگ زدم. خوشبختانه بیدار بود. آمد و برای امبولانس تیلیفون کرد. وقتی به شفاخانه رسیدم قلب بیمار من تنها سی و دوبار در یک دقیقه میتپید. در شفاخانه داکتر متخصص از من پرسید که به چه دلیل این همه درد را تحمل کرده ام. وقتی برایش گفتم نمیخواستم مزاحم خواب پسرم شوم خندید و گفت:

"کار ما داکتران همین است. بعد از این به استراحت داکتر هیچ فکر نکن. از روز یکشنبه که این جا در شفاخانه استم داکتران، پرستاران و همه کارکنان شفاخانه را می بینم که با محبت و صمیمیت در خدمت بیماران استند. ما مسلمانان مغرور که خویشتن را تافته های جدا بافته تصور میکنیم نسبت به برادران مسلمان خود آن صمیمیت و محبت را نداریم که اینان نسبت به من که مسلمان استم وریش بر چهره و کلاه بر سر دارم و شاید ظاهر چهره من برای شان یادآور عبا و قبای همان طالب باشد که برضد برادران و خواهران خود "جهاد" میکند و به خاطر "خداست" که مخلوق بیگناه خدایم گشود.

حضرت سیدجمال الدین افغان را به یاد می آرم که گفته بود در میان مسلمانان صحبت در باره اسلام بسیار است ولی عمل مسلمانی را در میان این مردم پیدا میکنی که در جامعه شان انسان به عنوان انسان ارزش دارد. دلم به حال خودم میسوزد که عمر خود را وقف ادبیات فارسی، پشتو، عربی، انگلیسی کرده ام و میدانم که در ادبیات شان چه مروارید های گرانبهای ادبی وجود دارد ولی دل های شان از این مروارید های غنای غنای هرگز غنایم نگر دیده است. سعدی را به یاد می آرم که عاشق خداست و همه جهان خدا را به موضوع عشق بدل میکند و مستانه فریاد میزند:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست ++ عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

ولی ما در این عالم که از ما نیست بلکه از خدای عالم است با انسان با طبیعت و خلاصه با مور و ملخ دشمنی داریم. رحمان بابا را با طنز تلخ او به یاد می آرم که گویی خودش میدانند که چه کسی مورد خطاب اوست

دکعبی په بزرگئی که خو شک نشته++ ولی خر به حاجی نشی په طواف

یک چیز که این جا بسیار خوب است اینکه هر کس را با همان بساطت و سادگی نام اولش می شناسی. از لقب های خانوادگی و تایتل های اعزازی در اینجا خبری نیست. نه کسی شیر آغا و گل آغاست و نه کس مدیر صاحب و رئیس صاحب. اینجا چندین نسل را می بینی که دوندگی دارند و یاد میدهند و یاد میگیرند. داکتران میانه سال استند که یک عمر در یک رشته درس خوانده و تجربه اندوخته اند و اینک به مقام کانسلتانت رسیده اند. خیل داکتران جوان، شاگردان فاکولته های طب و نرسنگ، رضاکاران گوناگون که لباس های بیماران را از خانواده های شان میگیرند و به بیماران میرسانند چون خانواده ها را به خاطر کرونا اجازه بازدید نمیدهند.

اینجا عملیه یادگیری و انتقال تجربه را از سلف به خلف تماشا میکنی و از نظم، دسپلین و هماهنگی که در کارها وجود دارد لذت میبری. داکتران به شیوه های گوناگون میکوشند بیمار خود را در تکلیفی که دارد آشنا بسازند. رساله ای برای من هم دادند تا بدانم که تکلیفم چیست، چه گونه با قلبم در کاری که میکند یاری برسانم، چه باید بکنم و چه نباید بکنم. همین است که افراد عادی هم با سیر علمی جامعه همگام میشوند و میدانند که علم به شیوه های گوناگون با آنان کمک میکند.

هر داکتر با کمپیوتر خود که بر عراده ای قرار گرفته و جلو او حرکت میکند وارد میشود و میدانند که معلومات مورد نیاز در باره مریض در کمپیوترش وجود دارد. یادم آمد که باری در کابل مجبور بودم برای دیدن ای میل های خود در یک انترنت کافیه بروم. آنجا غرفه هارا با پرده پوشانده بودند و من در باره حکمت عملی آن پرده ها از صاحب کافیه پرسیدم او در حالی که بر ساده لوحی من میخندید گفت:

"اینجا جوانان ساعت پنجاه افغانی میدهند و پورنو تماشا میکنند و این پرده ها عمل لغو شان را از همدیگر شان میپوشاند. خلوت پر از جنب و جوش شفاخانه آن خاطره کابل را به یادم آورد آهی کشیدم و با خود گفتم: "شاید به همین دلیل باشد که ما آنجا که استیم استیم و اینان نیز اینجا که استند، استند. ۱۵ فبروری ۲۰۲۱ بستر شفاخانه گود هوپ ستن کولد فیلد برمنگهم